

الزامات معماری ناجای آینده در افق تمدن نوین اسلامی

محسن مرادیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۲/۲۳

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال دوم / شماره سوم - بهار ۱۳۹۶

چکیده

این تحقیق یک مقاله آینده‌پژوهانه است و به بررسی الزامات معماری ناجای آینده در افق تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. بنابراین اطلاعات این تحقیق می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان استراتژیک در ناجا و دست‌اندرکاران بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور قرار گیرد. مسئله تحقیق این است که الزامات معماری ناجا در تمدن نوین اسلامی به درستی شناخته نشده و لازم است بررسی بیشتری در این زمینه انجام شود. اهمیت تحقیق نیز بدان علت است که شناخت این الزامات کمک می‌کند تا معماری ناجا در آینده، متناسب با تمدن در حال شکل‌گیری اسلامی باشد.

هدف از انجام این تحقیق به دست آوردن معرفتی قابل اتکا و سودمند برای ناجاست که بر اساس آن بتوان با معماری بهتر این سازمان، با آمادگی بیشتری به استقبال آینده رفت. در این رابطه مهم‌ترین سؤال‌هایی که تحقیق در جست‌وجوی پاسخگویی بدان‌هاست، عبارت‌اند از: - تصور کلی از تمدن نوین اسلامی چیست؟

- الزامات معماری ناجای آینده در افق تمدن نوین اسلامی کدام‌اند؟

در تحقیق پیش رو از چند روش استفاده شده است که عبارت‌اند از:

۱. روش بررسی اسناد و مدارک علمی با رویکرد زمینه‌ای؛

۲. روش تحلیل محتوا با هر دو رویکرد ژرفانگر و پهنانگر.

روش به‌کاررفته برای تحلیل مباحث در این تحقیق «تکیه بر موضوعات نظری» با هدف دستیابی به دیدگاه‌های جدید و ژرف‌نگری در موضوعات مرتبط با سازمان ناجا بوده و گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که معماری ناجای آینده منطبق با تمدن نوین اسلامی، الزاماتی دارد که ناجا نمی‌تواند به این الزامات بی‌توجه باشد؛ زیرا بی‌توجهی به این الزامات به معنای توفیق نیافتن در پیاده‌سازی معماری نوین متناسب با تمدن نوین اسلامی خواهد بود. اهم این الزامات عبارت‌اند از: الزامات حوزه ساختار و استراتژی، الزامات حوزه فناوری (تکنولوژی)، الزامات حوزه فرهنگی و منابع انسانی، الزامات حوزه خدمات و اقتصاد و الزامات حوزه سیاست و قوانین.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، تمدن نوین اسلامی، معماری، ناجا

مقدمه

بیداری اسلامی که طی دو قرن اخیر از سوی اندیشمندان مسلمان پی‌ریزی و دنبال شده در پی آن است تا دوران باشکوه تمدن اسلامی را باز گرداند. بازسازی این تمدن ضمن بهره‌برداری از امکانات و ابزارهایی که بر اثر پیشرفت‌های علمی و فنی به دست آمده، در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی بشر را نیز به او عطا می‌کند. استقرار این تمدن مستلزم وجود امنیتی است که در سایه آن، تمدن نوین اسلامی به بالندگی برسد و نیکبختی بشر را به ارمغان آورد. قطعاً نهادهای بسیاری در برقراری این امنیت نقش خواهند داشت؛ چه آنان که با کار فرهنگی به برقراری امنیت کمک می‌کنند و چه آنان که مستقیماً و برای این کار مأموریت و وظیفه دارند. در این میان ناجا به عنوان یک نهاد برآمده از متن انقلاب که طبق قانون، مأموریت برقراری امنیت در مرزهای کشور و درون آن را بر عهده دارد، زمینه‌ساز استقرار این تمدن است و مسلماً نقش مهمی در استقرار و بالندگی آن ایفا خواهد کرد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به این هدف، ناجا باید متناسب با اقتضات آینده در معماری سازمانی خود تجدید نظر و روشن کند که در راستای بازگشت شکوه گذشته تمدن اسلامی، الزامات معماری ناجای آینده چه خواهد بود؟ اما این الزامات هنوز کاملاً مشخص نشده است و معلوم نیست در معماری ناجای آینده چه الزاماتی باید لحاظ شوند تا معماری ناجا منطبق و منتج به تمدن نوین اسلامی گردد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

الزامات معماری ناجای آینده که گوشه‌هایی از آن در این مقاله مطرح شده، به مدیران و فرماندهان این سازمان کمک می‌کند تا منطبق با نیازها و الزامات تمدن نوین اسلامی، ناجا را معماری کنند. با مطالعه این تحقیق، مدیران و فرماندهان ناجا فرصت خواهند یافت تا در خصوص الزامات و بایسته‌های معماری ناجا در آینده شناخت پیدا کنند و از این طریق با آمادگی بیشتری به استقبال آینده بروند.

با شناخت الزامات معماری ناجای آینده، مدیران و فرماندهان این سازمان فرصت‌های پیش روی خود و جامعه را بهتر می‌شناسند و برای بهره‌برداری از آنها، تصمیم‌های بهتری می‌گیرند.

اهداف تحقیق

رسیدن به تمدن نوین اسلامی مستلزم تغییرات بنیادین در نظام‌ها و سیستم‌های موجود لشکری و کشوری است. یکی از این سازمان‌ها که نقش بسیار مهمی در استقرار تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند، ناجاست که باید متناسب با تحولات و چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی معماری شود. هدف از انجام این تحقیق، تبیین الزاماتی است که معماری ناجای آینده به آن نیازمند است؛ زیرا موفقیت در تبیین این الزامات، مزیت فوق‌العاده‌ای به این سازمان خواهد داد تا بتواند نقش بایسته خود را در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کند.

سؤال‌های تحقیق

مهم‌ترین سؤال‌هایی که این تحقیق برای تبیین الزامات معماری ناجای آینده در جست‌وجوی پاسخگویی به آنهاست، عبارت‌اند از:

- تصور کلی از تمدن نوین اسلامی چیست؟
- الزامات معماری ناجای آینده در افق تمدن نوین اسلامی کدام‌اند؟

روش‌شناسی تحقیق

۱. نوع تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و استفاده‌ای که می‌توان از نتایج حاصل برای مدیریت و معماری سازمان ناجا بُرد، این تحقیق از نوع توسعه‌ای- کاربردی با تأکید بر جنبه کاربردی آن است.

۲. روش تحقیق

به منظور انجام تحقیق حاضر از چند روش استفاده شده است که عبارت‌اند از:

- روش بررسی اسناد و مدارک علمی^۱ با رویکرد زمینه‌ای؛

- روش تحلیل محتوا^۲ با هر دو رویکرد ژرفانگر و پهنانگر.

۳. روش گردآوری اطلاعات

جمع‌آوری اطلاعات برای انجام این تحقیق عمدتاً به روش کتابخانه‌ای بوده است. برای این کار، ادبیات موضوع و مطالعات میدانی موثق انجام‌شده توسط دیگران مورد مذاقه قرار گرفت و سایر اطلاعات مورد نیاز از طریق جست‌وجوی کتابخانه‌ای، اینترنتی و بانک‌های اطلاعات داخلی و خارجی به دست آمد.

۴. روش تحلیل

روش به‌کاررفته برای تحلیل مباحث در این تحقیق روش «تکیه بر موضوعات نظری» (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۷۳) با هدف دست یافتن به دیدگاه‌های جدید و ژرف‌نگری در موضوعات مرتبط با معماری آینده ناجا بوده است.

1 . Document & Archival Method

2 . Content Analysis Method

چارچوب نظری تحقیق

۱. تمدن‌سازی نوین اسلامی

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی طی کرد؛ در حالی که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژیک، قدم‌های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان‌ها برداشت. با این وصف، به‌رغم تمام پیشرفت‌های صورت‌گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته است به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است، دست یابد (مددیور، ۱۳۷۷: ۲۸).

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار شد، با توجه به عدم اقناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و اقبال جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی در سال‌های اخیر، روندی رو به رشد داشته و بارقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی دیده می‌شود. این تمدن سعی دارد با بهره‌گیری از ابزارها، موابه و دستاوردهای مفید تجربه بشری، طرحی نو دراندازد که تمامی جنبه‌های تمدنی از جمله امنیت را دربرداشته باشد.

۲. تمدن‌سازی نوین اسلامی به مثابه پیشرفت همه‌جانبه

تمدن اسلامی دو جنبه دارد که ناجا می‌تواند و باید در هر دو جنبه نقش ایفا کند. این دو جنبه عبارت‌اند از: جنبه ابزاری و جنبه محیطی. در راستای ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، ضروری است به طور هم‌زمان به دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن توجه شود. جنبه ابزاری تمدن ارزش‌هایی است که در نظر اغلب افراد، شاخصه‌های پیشرفت محسوب می‌شوند مانند علم، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی و امنیت. جنبه حقیقی تمدن، شاکله‌های اصلی زندگی یا همان سبک زندگی است که از مواردی چون خانواده، سبک پوشش و نوع لباس، نوع مسکن، الگوی مصرف، تفریحات، خط و زبان، کسب و کار و رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها تشکیل می‌شود (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۶).



شکل ۱- جنبه‌های تمدن نوین اسلامی که ناجا باید به آنها توجه کند.

در تمدن‌سازی نوین اسلامی، علاوه بر تلاش در عرصه پیشرفت در جنبه ابزاری، اهتمام اصلی در جنبه حقیقی تمدن که همانا سبک زندگی انسان است، باید انجام گیرد. در این راستا باید نیازهای اساسی و بنیادین بشر در نیل به پیشرفت در جنبه حقیقی تمدن و ارائه سبک زندگی اسلامی بررسی شود. بنابراین در دوران معاصر با توجه به سیطره تمدن غربی بر دنیا باید پیش‌قراولان عقلانیت اسلامی به دنبال شناخت و ارائه ساختارهای نوین تمدن اسلامی و تلاش برای مقبولیت عمومی آن باشند (لاریجانی، ۱۳۷۰: ۱۷). این امر مستلزم تغییر مأموریت و ساختار سازمانی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای لشکری و کشوری است و ناجا نیز همچون سایر سازمان‌ها و نهادها باید خود را با این تمدن جدید وفق دهد و معماری آینده خود را بر پایه آن بنیان‌گذاری کند.

دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص تمدن‌سازی نوین اسلامی

مقام معظم رهبری بارها درباره تمدن‌سازی اسلامی تأکید کردند و معتقدند: «امروز دنیای اسلام وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت. این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند. این به معنای تصرف سرزمین‌ها

نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر ملت‌های دیگر نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملت‌هاست تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرت‌های جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه امروز ماست» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸). ایشان معتقدند ابتدای تمدن نوین اسلامی، معنویت است: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

ایشان تحقق تمدن نوین اسلامی در جمهوری اسلامی ایران را قطعی تلقی می‌کنند و می‌فرمایند: «جوان‌ها، بدانید بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شماست. شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید. شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید. برای اینکه بتوانید این وظایف بزرگ را انجام بدهید، باید دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به [انجام] خدمات اجتماعی و به ورزش. اینها خصوصیتی است که جوان امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجی من ان شاء الله توفیق انجام این کار را داشته باشید» (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

از دیدگاه معظم له، باید همه افراد و سازمان‌ها - از جمله ناجا - در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش ایفا کنند: «باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ایشان هدف کلی نظام اسلامی را رسیدن به تمدن اسلامی می‌دانند و معتقدند: «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است» (بیانات در جمع استادان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

ایشان معتقدند: «اینکه در مقابل تمدن کنونی بشر - یعنی تمدن مادی غرب - می‌تواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و

استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخن هاست. اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایی که این تمدن اوج گرفته بود - یعنی از قرن نوزدهم میلادی - بحث معارضه سنت و مدرنیته را مطرح کردند. یعنی همه آنچه این تمدن تقدیم بشریت می‌کند، نکات مدرن، نو، تازه، اجتناب‌ناپذیر، جذاب و خواستنی است و هرچه در مقابل آن است، این سنت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال‌پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری ما می‌بینید؛ اما این بحث نویی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدن غرب در راه خود، همه فرهنگ‌ها را، همه تمدن‌ها را، همه زیرساخت‌های مدنی را، همه روابط انسانی و اجتماعی را، همه آن چیزی را که تمدن غرب آن را نمی‌پسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه قدرت مادی و سرمایه‌داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه‌ای از یک سو، ابدی کند.

... البته نه پیدایش و نه زوال تمدن‌ها، مسئله‌ای دفعی نیست؛ یک مسئله تدریجی و تاریخی است؛ اما اینها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکران غرب هم به این حقیقت توجه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند. بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از اینکه برقی از گوشه‌ای بجهد. همچنانی که همه تمدن‌های عالم به وجود آمده‌اند، یک فکر نو، یک پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، یک نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند یک ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهیم گفت، عمل کنند؛ زبندگان و نخبگان و خواص جامعه نقش‌های خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بُعدی ندارد بلکه نتیجه‌ای حتمی است - که این تمدن مثل همه تمدن‌های دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که به تدریج بالا می‌آید و به وسط‌السماء می‌رسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید. بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که یک خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد. یک حرکت تکاملی است. از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد. این برق در این نقطه از عالم درخشید؛ چشم‌هایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد. این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالش‌های

خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه لازم است، با عمل به آنچه وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند.

مطلب دوم این است که نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ... اولاً باید معلوم باشد که حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده آرمانی- که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است- یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

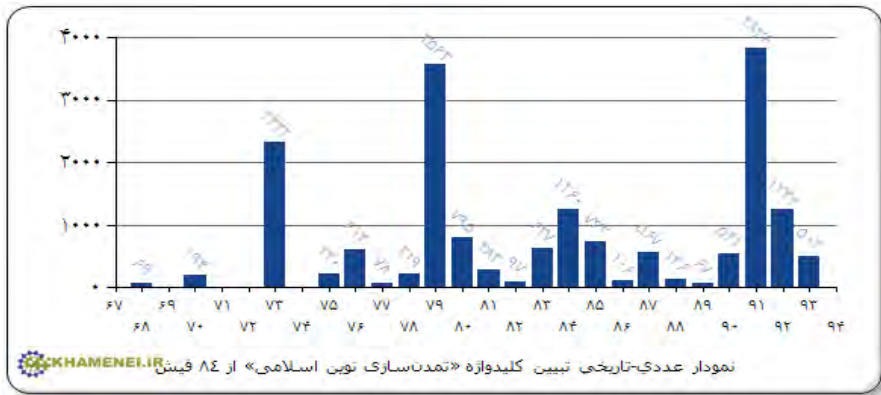
برای ایجاد یک تمدن اسلامی- مانند هر تمدن دیگر- دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن- که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می‌شود- کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است.

شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آنجایی که فکر انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسان‌ها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینان‌اند» (بیانات در جمع استادان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

معظم له موضوع ایجاد تمدن نوین اسلامی را موضوعی جدی می‌دانند و می‌فرمایند: «قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید. آن نظام، چند صباحی هست؛ بعد هم می‌رود. یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد. و همه چیز به حال اول برمی‌گردد. یک وقت قضیه این‌گونه است و این همه نقل ندارد. آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسئله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۳/۸/۱۱).

ایشان ایجاد تمدن نوین اسلامی را رسالتی می‌دانند که نه فقط برای خوشبختی مردم ایران بلکه برای خوشبختی همه مردم دنیا باید تحقق یابد: «ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم: مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران- همچنان که شأن اوست- در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه اینکه ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است» (پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱۳۷۳/۱/۱).

تأکیدات مکرر معظم له بر تمدن نوین اسلامی در سال‌های مختلف نشان می‌دهد که همه سازمان‌های لشکری و کشوری جمهوری اسلامی ایران باید معماری خود را منطبق بر الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی و برای جامه عمل پوشاندن این تمدن انجام دهند. نمودار زیر فراوانی تأکیدات ایشان بر لزوم شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به تفکیک سال‌های مختلف را نشان می‌دهد.



شکل ۲- نمودار عددی- تاریخی تبیین کلیدواژه «تمدن‌سازی نوین اسلامی» مقام معظم رهبری از ۸۴ فیش
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770>

معماری سازمانی

معماری واژه ناشناخته‌ای نیست و یادآور طرح و دید همه‌جانبه بر ساختار و رفتار موجودیتی است که دارای خواصی چون پیچیدگی و پویایی است و تهیه و نگهداشت آن مستلزم داشتن توجه ویژه به جامعیت، یکپارچگی، انعطاف‌پذیری و تعامل‌پذیری است. واژه معماری بیشتر در رشته‌های مهندسی شنیده می‌شود و به کار می‌رود، آنجا که معمار با نگاهی جامع به همه عوامل تأثیرگذار بر بنا و با بهره‌مندی از تجارب گذشته، طرحی از چگونگی ساخت و عمارت با استفاده از قطعات سازنده اولیه ترسیم می‌کند. معمار در تمامی مراحل طراحی و ساخت حضور دارد و همه جوانب را کنترل می‌کند.

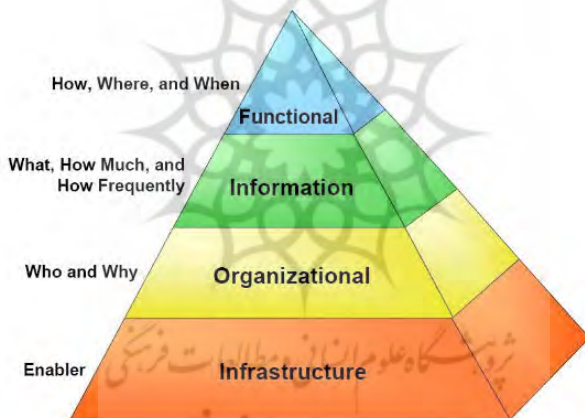
از دیدگاه سازمانی، معماری سازمانی مجموعه‌ای از ارائه‌های توصیفی (مدل‌ها) در ارتباط با تشریح یک سازمان است تا بتواند منطبق بر نیازمندی‌های مدیریت (کیفیت) باشد (Zachman, 1999).

لزوم معماری سازمانی را می‌توان در ظهور سازمان‌های بزرگ، نیاز به طراحی و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی پیچیده، ظهور سیستم‌های اطلاعاتی با منظوره‌های خاص و اهمیت انعطاف‌پذیری سازمان‌ها در برابر فشارهای بیرونی نظیر تغییر کسب و کار، تغییر مأموریت‌ها و ساختارهای سازمانی و تغییرات سریع فناوری ارزیابی کرد (<http://itc.ir/Default.aspx?tabid=448&language=fa-IR>).

امروزه معماری نه تنها در سخت‌افزار و نرم‌افزار اهمیت یافته، بلکه در مدیریت جنبه‌های مختلف سازمان نیز ضرورت یافته است. معماری سازمانی^۱ شامل فرایندها، داده‌ها، سیستم‌های پشتیبانی‌کننده، شبکه و زیرساخت‌های فناوری برای هر دو معماری وضع موجود و وضع مطلوب است.

در واقع معماری سازمانی در معنای عمومی و ساده آن، ساختار و طراحی سازمان با نگاهی کل‌نگر است. معماری سازمانی مستلزم شناخت مؤلفه‌ها و اجزای سازمان، شناخت وظایف هر مؤلفه، شناخت ارتباط بین مؤلفه‌ها و اجزای سازمانی با یکدیگر و با محیط بیرونی است. از این دیدگاه معماری سازمانی یعنی فهم عناصر مختلفی که سازمان را ساخته‌اند و چگونگی تعامل بین این عناصر. سازمان نیز مجموعه‌ای از واحدهایی است که اهداف و اصول مشترک دارند (مهجوریان، ۱۳۸۵).

معماری سازمانی شامل چهار معماری مرتبط با یکدیگر است که عبارت‌اند از:



شکل ۳ - معماری‌های مرتبط به هم برای انجام معماری سازمانی (<http://entarch.360biz.ir>)

۱. معماری کسب و کار^۲

این معماری، استراتژی، ساختار و حاکمیت سازمانی و فرایندهای اصلی انجام کار^۳ را تعریف و زیرساخت لازم را برای کارایی بیشتر و عملکرد مناسب فعالیت کاری ایجاد می‌کند.

-
- 1 . Enterprise Architecture
 - 2 . Business Architecture
 - 3 . Core Business Process
-

۲. معماری داده / اطلاعات^۱

این معماری ساختار منطقی و فیزیکی داده‌های مورد نیاز سازمان و منابع لازم برای مدیریت این داده‌ها را مشخص و تشریح می‌کند. این معماری باید به خوبی تعریف شده باشد تا معماری فناوری اطلاعات، چگونگی ذخیره‌سازی، بازیابی و انتقال داده‌های سازمان را به صورت مؤثر و کارآمد پشتیبانی کند.

۳. معماری سیستم‌های کاربردی^۲ (معماری سازمانی)

این معماری طرح اصلی همه سیستم‌های کاربردی است و در آن سیستم‌های کاربردی مورد نیاز، تعامل آنها و روابط بین سیستم‌های کاربردی و چگونگی پشتیبانی آنها از فرایندهای اصلی انجام کار مورد توجه قرار می‌گیرد. هم‌افزایی زیادی بین این معماری و سایر معماری‌ها وجود دارد. سیستم‌های کاربردی از سرویس‌هایی که معماری فناوری اطلاعات در اختیار می‌گذارند، استفاده می‌کنند تا بتوانند ویژگی‌های ضروری مانند توانایی کار با یکدیگر و امنیت و مدیریت‌پذیری را داشته باشند.

۴. معماری فناوری اطلاعات^۳

معماری فناوری اطلاعات، یکپارچگی سیستم‌های کاربردی را پشتیبانی و زیرساخت و استانداردهای لازم را برای تبادل اطلاعات بین سیستم‌های کاربردی فراهم می‌کند. این معماری شامل شناخت و تفکیک مؤلفه‌های اصلی فناوری اطلاعات مانند زیرساخت‌ها، شبکه، سخت‌افزار، نرم‌افزار، سیستم‌های عامل و غیره بوده و تعریف کارکردها و وظایف اصلی هر مؤلفه و شناخت و تعریف واسط‌های لازم همراه استانداردهای حاکم بر آنها و چگونگی تعامل بین مؤلفه‌های مختلف را دربرمی‌گیرد.

معماری سازمانی، چارچوبی برای تبیین، هماهنگ‌سازی و همسوسازی همه فعالیت‌ها و عناصر سازمان در راستای نیل به اهداف راهبردی سازمان محسوب می‌شود. معمار سازمانی مانند سایر معماران با بخش‌های مختلف سیستم درگیر می‌شود؛ اما برخلاف معماری‌های دیگر، معمار سازمانی با سیستمی مواجه است که اجزای آن اغلب غیرفیزیکی و مفهومی

1 . Data/Information Architecture

2 . Application Systems Architecture

3 . Technology Architecture

هستند و روابط حاکم بر آنها منبعث از روابط و فرهنگ کاری و انسانی است. می‌توان معماری سازمانی را با مجموعه‌ای از مدل‌های به هم پیوسته و مرتبط نمایش داد که انتخاب بین انواع مدل‌های مناسب بر عهده معمار است. در واقع، در معماری سازمانی، نوعی مهندسی مجدد سازمان نهفته است که سعی در بهبود فرایندهای کاری سازمان دارد. معماری سازمانی دو گونه سازمان‌گرا و داده‌گراست و ناشی از گسترش به کارگیری فناوری اطلاعات در سازمان‌ها و افزایش تعاملات درون و برون‌سازمانی و همچنین شتاب روزافزون تغییرات است.

فرایند معماری سازمانی

هدف از فرایند معماری سازمانی، اجرای معماری و ارائه خروجی‌های آن در سازمان است. این فرایند در کنار سایر فرایندهای اصلی سازمان قرار می‌گیرد و به صورت پیوسته اجرا می‌شود. به طور کلی، این فرایند شامل سه مرحله اصلی است که عبارت‌اند از:

۱. برنامه‌ریزی راهبردی؛

۲. برنامه‌ریزی معماری سازمانی؛

۳. اجرای معماری سازمانی.

این مراحل، مراحل اصلی فرایند معماری سازمانی هستند که هر کدام به چند زیرمرحله تقسیم می‌شود (رستگار و رضایی، بی‌تا).

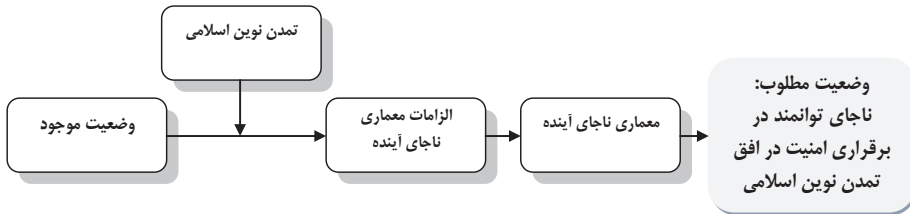
یافته‌های تحقیق

مطالعه ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که معماری سازمانی ناجا را می‌توان فرایندی دانست که به منظور تعریف و برنامه‌ریزی برای پیاده‌سازی معماری‌های لازم انجام می‌شود و هدف از آن فراهم کردن زمینه استقرار و بسط تمدن نوین اسلامی و استفاده مؤثر از امکانات، برای پشتیبانی از مأموریت‌های سازمانی است. این برنامه‌ریزی مبتنی بر سه زیرمعماری است که عبارت‌اند از:

۱. معماری وضع موجود؛

۲. معماری وضع مطلوب.

۳. معماری گذار



شکل ۴- مدل مفهومی نحوه تأثیرگذاری تمدن نوین اسلامی بر طراحی معماری ناجای آینده

در رابطه با معماری ناجای آینده منطبق با تمدن نوین اسلامی، الزاماتی وجود دارد که ناجا نمی‌تواند به این الزامات بی‌توجه باشد. در واقع بی‌توجهی به این الزامات به معنای عدم توفیق در پیاده‌سازی معماری نوین خواهد بود. اهم این الزامات عبارت‌اند از:

- الزامات حوزه ساختار و استراتژی؛

- الزامات حوزه فناوری (تکنولوژی)؛

- الزامات حوزه فرهنگی و منابع انسانی؛

- الزامات حوزه خدمات و اقتصاد؛

- الزامات حوزه سیاست و قوانین.

۱. در حوزه ساختار و استراتژی

هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدأ واحدی هدایت و راهبری شود. رویه حرکت‌های بیدارگرانه و ضد استعماری با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این‌گونه فعالیت‌ها دارند، تشخیص و دقت نظر در بطن حرکت‌ها و توجه به ماهیت آنها بسیار ضروری است. سیاست‌زدگی باعث سوءاستفاده از این‌گونه جریان‌های مردمی و خیزش‌ها به سوی تشکیل تمدنی نوین می‌شود. در بعضی از موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر می‌کند و مبتنی بر منافع مادی و سیاسی که می‌تواند غیردینی باشد، نمود می‌یابد و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می‌شود.

همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز اشاره کرده‌اند، حرکت‌های فرهنگی و تمدنی، به واسطه ماهیت‌شان، فرایندی زمان‌بر دارند و نیازمند صبر، استقامت، پشتکار و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل فراوان هستند. از جمله آسیب‌های جدی که این حرکت را به شدت با مخاطره مواجه می‌کند، کم تحمل بودن در رسیدن به هدف آرمانی و نتیجه مطلوب است.

تحقق تمدن نوین اسلامی مستلزم نظارت همگانی مردم بر عملکرد پلیس است؛ بنابراین توجه به زیرساخت‌های لازم برای این نظارت می‌تواند در بهبود عملکرد پلیس نقش مؤثری ایفا کند و باید در معماری ناجای آینده در نظر گرفته شود.

تنوع و تطور در جرایم، پیشرو بودن در ارائه خدمات و محصولات جدید را می‌طلبد و این امر نیازمند خلاقیت و نوآوری است که ساختار فعلی ناجا نمی‌تواند از چنین مأموریتی پشتیبانی کند. این موضوع به ویژه در آینده از اهمیت مضاعف برخوردار خواهد بود؛ بنابراین در معماری ناجای آینده باید منظور شود.

ناجا باید بتواند به سرعت و چابک بر بحران‌های اجتماعی فائق آید. از این رو جامعه نیازمند پلیس چابک و سریع است تا به موقع و حتی پیش از شکل‌گیری بحران‌ها، آنها را مهار کند. باید این چالش برطرف و ناجا به یک سازمان چابک تبدیل شود. این موضوع باید حتماً در معماری ناجای آینده لحاظ گردد.

داشتن چشم‌انداز مشترک و روحیه کار تیمی و همکاری واحدهای عملیاتی و ستادی از نکات دیگری است که معماری ناجای آینده باید به آن توجه کند.

تخصصی شدن پلیس و تأکید و رهاسازی پلیس عمومی با ساختار حجیم، پیچیده و ناهمگون، نکته مهم دیگری است که از بایسته‌های معماری ناجای آینده محسوب می‌شود.

۲. در حوزه فناوری (تکنولوژی)

ناجا باید متناسب با ارتقای سطح انتظارات جامعه از پلیس، برای ارائه خدمات الکترونیکی، نحوه خدمات‌رسانی خود را ارتقا دهد (سامانه‌های اطلاعاتی و در فضای مجازی). ناجا باید متناسب با رشدنمایی و غیرقابل کنترل و ضد فرهنگی سازماندهی شود و در فضای مجازی و الکترونیکی فعالیت‌های پیشگیری خود را افزایش دهد. برای خنثی‌سازی فعالیت مخالفان و تبلیغات رسانه‌ای و سایبری سازمان‌های تروریستی و فرقه‌ای، برنامه هدفمند داشته باشد.

ناجا باید بتواند با استفاده از فناوری‌های جدید، از لابراتوارهای خانگی تولید مواد مخدر انبوه‌زدایی کند.

ناجا باید بتواند متناسب با حجیم و متنوع شدن مأموریت‌های روزانه به دلیل پیچیدگی و توسعه فرایندهای جدید خدماتی، تجاری و رشد کمی جمعیت، مأموریت‌های خود را در عرصه به وسعت کل کشور و حتی جهان سازماندهی کند.

ساختار شبکه‌ای منسجم برای نظارت مؤثر بر اتباع بیگانه (مهاجرین، گردشگران زیارتی، سیاحتی و...) ایجاد کند.

راهبردهای یکپارچه و منسجم در استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی برای حمایت زیربنایی از حقوق شهروندی در فضای سایبر ایجاد کند.

در راستای مدیریت پیشگیرانه تهدیدهای امنیت اجتماعی، نقشه راه منسجم برای نهادینه‌سازی زیرساخت‌های توسعه مهندسی انتظامی فضای سایبر تدوین کند.

با توجه به آمار رو به رشد استفاده از فناوری در زندگی روزمره مانند تجهیزات خودپرداز، درهای الکترونیکی، رایانه‌ها و... بدون آماده‌سازی زمینه‌های فرهنگی و قانونی آنها و تأثیر این تغییرات بر کاهش کیفیت در مأموریت و خدمات انتظامی ناجا، خود را برای مقابله با این تحولات آماده سازد.

۳. در حوزه فرهنگی و سرمایه‌های انسانی

تکیه بر راهبری فنی و تاکتیکی با آثار کوتاه‌مدت می‌تواند از مهم‌ترین موانع و چالش‌های معماری ناجا در افق تمدن نوین اسلامی باشد. در آینده شکاف بین پیچیدگی سازمان و محیط افزایش خواهد یافت؛ در حالی که رویکردهای سنتی فعلی مدیران سازمان ناجا به دنبال ساده‌سازی و عقلانیت‌گرایی و احتراز از پیچیدگی است. بنابراین داشتن تفکر راهبردی در حوزه فرهنگی و سرمایه‌های انسانی، از مهم‌ترین الزامات معماری ناجای آینده است.

اینرسی، ایستایی و ترس و نگرانی از تغییر می‌تواند تحقق معماری ناجای آینده متناسب با تمدن نوین اسلامی را دچار چالش کند. از الزامات تحقق یک معماری نو (معماری ناجای آینده) متناسب با یک تمدن نو (تمدن نوین اسلامی)، آشنایی مدیران ناجا با رویکردهای نوین مدیریتی و ابزارهای آن است (OR, MADM, MODM, Future Study).

کم توجهی به نقش مطالعات آینده اندیشی و آینده نگری و مدیریت دانش در معماری آینده ناجا و عدم آشنایی مدیران و فرماندهان ناجا با این مهارت‌ها به منظور ساختن آینده و پیاده سازی معماری ناجای آینده می تواند موجب شکست معماری شود هر قدر هم خوب طراحی شده باشد. بنابراین آشنایی فرماندهان و مدیران ناجا با دانش‌های مذکور از الزامات معماری ناجای آینده است.

مداقه و امعان نظر در مفاهیم اجتماعی، نظیر سرمایه اجتماعی جامعه محوری، مردم سالاری و... از بایسته های دیگر معماری ناجای آینده است. گذار از وظیفه گرایی به سوی فرایند گرایی و مأموریت گرایی در سازمان های آینده به خصوص ناجا، از روندهایی است که برای تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری است. فرایند گرایی، مشتری را در مرکز دایره همه فعالیت‌ها قرار می دهد و هدف همگان، جلب خشنودی و برآوردن نیازهای او خواهد بود. اگر در معماری ناجای آینده به این موضوع توجه نشود، بی توجهی به این تغییر مهم، یکی از چالش اساسی ناجا خواهد بود. امنیت در تمدن نوین اسلامی از نوع امنیت ایجابی خواهد بود که باید در معماری ناجای آینده مرکز توجه قرار گیرد. روندها نشان می دهد که امنیت سخت افزاری به سوی امنیت نرم افزاری در حال تغییر است؛ بنابراین مواضع پلیس نیز باید از پلیس محسوس به نامحسوس و از کنترل های فیزیکی به کنترل های غیر فیزیکی تغییر یابد.

در افق، نظارت مردمی و همگانی در فضای جدید متأثر از تکنولوژی اطلاعات افزایش یافته است و هیچ نقیصی از دید مردم پنهان نمی ماند؛ از این رو باید در طراحی معماری ناجای آینده این موضوع لحاظ شود و کم توجهی به آن می تواند ناجا را دچار چالش های جدی کند. در چشم انداز نظام، مأموران نیروی انتظامی باید صالح و امین، کارآمد، ایثارگر و فداکار، خلاق و سخت کوش، شجاع و مردم دار، دارای انگیزه الهی و مسئولیت پذیر، برخوردار از منزلت و معیشت مطلوب باشند و سازمان نیروی انتظامی یکپارچگی و فراگیر، منسجم و هماهنگ، کارآمد، منعطف و نوآور، پویا، پاسخگو در مقابل حاکمیت و مردم، مردمی و حامی مظلومان در برابر قانون شکنان و متجاوزان باشد. این الزامات باید در معماری ناجای آینده نیز مرعی شوند. به طور کلی توجه به ارکان جهت ساز ناجا از قبیل سیاست‌ها، اصول و ارزش‌ها، مأموریت، اهداف و چشم انداز، از الزامات معماری ناجای آینده خواهد بود.

از الزامات دیگر ناجای آینده، داشتن آموزش همه جانبه و اثربخش و مأموریت گرایی است که باید در طراحی معماری ناجای آینده لحاظ شود.

بی‌توجهی به مشارکت مردم باعث سختی و مشکلات کار پلیس می‌شود. از این رو در طراحی معماری ناجای آینده، این موضوع نیز باید در نظر گرفته شود.

۴. در حوزه خدمات و اقتصاد

مشارکت کافی نداشتن پلیس در فعالیتهای اجتماعی و ارائه مشاوره روان‌شناختی از یک سو و افزایش بحران در خانواده، بهداشت، مسائل ارزشی و نظام‌های شهری از سوی دیگر می‌تواند در افق تمدن اسلامی امنیت را دچار چالش سازد؛ بنابراین یکی از الزامات معماری ناجای آینده توجه به این موضوع خواهد بود.

از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و نزدیک شدن کشورها به هم از یک سو و رشد تنوع و بازیابی هویت تاریخی ملی از سوی دیگر و تغییر انتظارات مردم برای خدمات دقیق، سریع و به‌روز، الزاماتی هستند که در معماری ناجای آینده باید در نظر گرفته شوند؛ زیرا بی‌توجهی به این امور، موجب شکاف میان خدمات ارائه‌شده و خدمات مورد توقع جامعه خواهد شد. لازم است ضرورتاً اهداف کارکنان و سازمان با یکدیگر تطبیق داشته باشد. خدمات روحی و رفاهی کارکنان با توجه به انتظاری که از آنها برای تأمین آبرومندانه معیشت کارکنان می‌رود، باید مد نظر باشد؛ در غیر این صورت، تحقق امنیت مورد انتظار که الهام‌بخش سایر کشورها باشد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

۵. در حوزه سیاسی و تقنینی

کاستی‌ها و خلأهای قانونی، نارسا و شفاف نبودن قوانین در برخی محورهای اقتصادی و اجتماعی و... باعث سختی کار پلیس خواهد شد. از این رو در کنار معماری ناجای آینده، برای استقرار امنیت باید مبادی قانون‌گذار نیز همراهی کنند و با اصلاح قوانین موجود و تصویب قوانین جدید متناسب با مقتضیات روز، ناجا را یاری رسانند.

در معماری ناجای آینده این مسئله باید شفاف شود که وظیفه نیروی انتظامی به عنوان ضابط چیست. به نظر می‌رسد تلقی عام از مأموریت ضابط بودن ناجا که اکنون وجود دارد، موضوع نادرستی است و وجود تعارض‌ها و برخی اشکالات در قانون نیروی انتظامی در خصوص ضابط پلیس نیاز به اصلاح دارد.

فقدان طرح جامع مدیریت بحران امنیتی در ساختار انتظامی کشور و برنامه‌ریزی راهبردی مخالفان نظام برای بحران‌سازی و ایجاد تنش‌ها در ساختار براندازی نرم، از چالش‌هایی است که ناجا تا کنون با آن دست به گریبان بوده و پس از این نیز با شدت بیشتری با آن مواجه خواهد بود. از این رو معماری ناجای آینده باید با لحاظ این موضوع انجام گیرد که چگونه می‌توان با کمترین هزینه، بحران‌های امنیتی کشور را مدیریت کرد؟

ناپایداری سیاسی-امنیتی در کشورهای همسایه و احتمال تسری آن به استان‌های مرزی کشور همواره وجود داشته و معماری ناجای آینده نیز باید به آن توجه کند. با توجه به روندهای فعلی، توسعه کلان‌شهرها و احداث شهرهای جدید بدون توجه به تأمین زیرساخت‌های امنیتی و نبود بسته سیاستی منسجم برای تقلیل انگیزه مهاجرت به کلان‌شهرها، از مشکلات آتی کشور خواهد بود. این موضوعی است که طراحان ناجای آینده باید آن را در معماری خود لحاظ کنند.

نتیجه و پیشنهاد

در پاسخ به سؤال اول تحقیق مبنی بر اینکه تصور کلی از تمدن نوین اسلامی چیست؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد تمدن‌سازی نوین اسلامی به مثابه پیشرفت همه‌جانبه دارای دو جنبه ابزاری و محیطی است که ناجا می‌تواند و باید در هر دو جنبه نقش ایفا کند. تأکیدات مکرر معظم له بر تمدن نوین اسلامی در سال‌های مختلف نشان می‌دهد که کلیه سازمان‌های لشکری و کشوری جمهوری اسلامی ایران باید معماری خود را منطبق بر الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی و برای جامه عمل پوشاندن این تمدن انجام دهند.

در این مسیر، علاوه بر تلاش در عرصه پیشرفت در جنبه ابزاری، اهتمام اصلی در جنبه حقیقی تمدن که همانا سبک زندگی انسان است، باید صورت گیرد. در این راستا باید نیازهای اساسی و بنیادین بشر در نیل به پیشرفت در جنبه حقیقی تمدن و ارائه سبک زندگی اسلامی مورد مذاقه قرار گیرد.

نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه مردم هستند که به مادیات و معنویات و دین به طور هم‌زمان می‌پردازند و قدرت سیاسی همراه با عدالت را طی یک حرکت تدریجی به دست می‌آورند. برای ایجاد تمدن اسلامی-مانند هر تمدن دیگر- دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر و دیگری پرورش انسان. هدف از استقرار این تمدن این نیست که فقط زندگی

خود را نجات دهیم بلکه هدف، نجات همه انسان‌هاست. پایه اصلی این تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر اینکه الزامات معماری ناجای آینده در افق تمدن نوین اسلامی کدام‌اند؟ می‌توان پاسخ را در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۱- الزامات معماری ناجای آینده در افق تمدن نوین اسلامی

الزامات حوزه خدمات و اقتصاد	الزامات حوزه فناوری (تکنولوژی)	الزامات حوزه ساختار و استراتژی
<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت پلیس در فعالیت‌های اجتماعی و ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی - انطباق اهداف سازمان و کارکنان - ارائه خدمات دقیق، سریع و به‌روز 	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقای نحوه خدمات‌رسانی - افزایش تلاش پیشگیری از جرم در فضای مجازی - داشتن برنامه هدفمند - استفاده از فناوری‌های جدید برای مبارزه با مواد مخدر - نظارت مؤثر بر اتباع بیگانه - حمایت از حقوق شهروندی - مهندسی انتظامی فضای سایبر - جلوگیری از کاهش کیفیت - خدمات‌رسانی ناشی از فراگیر شدن استفاده از فناوری در زندگی روزمره مردم 	<ul style="list-style-type: none"> - پیروی از رهبری واحد - عدم انحراف از مسیر - توجه به عقلانیت دینی - صبر و تحمل تا رسیدن به نتیجه مطلوب - نظارت همگانی بر عملکرد پلیس - توجه به خلاقیت و نوآوری - چابکی سازمانی - انجام کارها به صورت تیمی - انجام تخصصی وظایف و مأموریت‌ها
الزامات حوزه فرهنگی و منابع انسانی		الزامات حوزه سیاست و قوانین
<ul style="list-style-type: none"> - داشتن تفکر راهبردی به ویژه در حوزه فرهنگی و سرمایه‌های انسانی - غلبه بر اینرسی و نگرانی از تغییر در کارکنان و مدیران - آشنایی مدیران با رویکردهای نوین مدیریتی و ابزارهای آن - توجه به نقش آینده‌پژوهی - توجه به تحول در مفاهیم اجتماعی نظیر سرمایه‌های اجتماعی و پلیس جامعه‌محور و ... - گذار از وظیفه‌گرایی به سوی فرایندگرایی و مأموریت‌گرایی - جایگزین کردن گفتمان امنیت ایجابی به جای گفتمان امنیت سلبی - نظارت همگانی مردم - برخورداری از آموزش همه‌جانبه، اثربخش و مأموریت‌گرا - توجه به ارکان جهت‌ساز ناجا 		<ul style="list-style-type: none"> - رفع کاستی‌ها و خلأهای قانونی فعلی - شفاف‌سازی وظیفه‌ناجا به عنوان ضابط قضایی و احیاناً اصلاح قانون ناجا - تهیه طرح جامع مدیریت بحران‌های امنیتی - توجه به ناپایداری سیاسی در کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران - لحاظ کردن روندها در خصوص مهاجرت به کلان‌شهرها و تغییرات جمعیتی و زیرساخت‌های امنیتی

به طور کلی ناجا در آینده متأثر از تمدن نوین اسلامی و پیدایش جامعه نوین با چالش‌ها و مشکلات متعدد در ابعاد جدید که با تجربیات گذشته تفاوت‌های فاحش دارند (مراتب مذکور در صفحات قبل) مواجه خواهد بود. جلوگیری از این امر نیازمند انجام مطالعات عمیق مبتنی بر آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در مراکز مطالعاتی است که خود نیازمند تشکیل اتاق‌های فکر و نشست‌های علمی- تخصصی و ارائه راهکارهای ویژه و منحصر به فرد است و در واقع دانش، وقت، انرژی و اعتبار مورد نیاز خود را می‌طلبد.

در راستای چالش‌های فوق پیشنهاد می‌شود ناجا هم‌زمان با تعریف هر یک از این معماری‌ها، برنامه اجرایی آنها را نیز ارائه کند تا معماری را در عمل پیاده سازد. اولین کاری که باید قبل از شروع مراحل «برنامه‌ریزی معماری سازمانی» انجام داد، تعیین الزامات پیاده‌سازی این معماری است. باید در نظر داشت که این فرایند باید با همکاری تمام قسمت‌های سازمان انجام شود؛ بنابراین مستلزم حمایت مدیریت و اختصاص به‌موقع منابع و همکاری مدیران قسمت‌های مختلف سازمان است.



منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی و دربان (۱۳۸۲)، آستانه روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای
- خیری، حسین (۱۳۹۱)، تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چ اول، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- رستگار، علی و صادق رضایی (بی‌تا)، «آینده‌پژوهی چالش‌های سازمانی فراروی پلیس متأثر از جهانی شدن»، فصلنامه دانش انتظامی، س ۱۵، ش ۴.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۶)، مهندسی تمدن اسلامی (الزامات و موانع)، چ اول، قم: انتشارات فجر ولایت.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۰)، «تمدن نوین بر اساس عقلانیت اسلامی»، نشریه مجلس و پژوهش، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مددپور، محمد (۱۳۷۶ و ۱۳۷۷)، «زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی»، کتاب نقد، شماره ۵ و ۶.

منابع لاتین

- Zachman, John A (1999), "A Framework for Information Systems Architecture", *IBM System Journal*, Vol.38, Nos. 2 & 3.
- ابوذر طوقانی - <http://razavi.aqr.ir/portal/home/?122501>
- مهجوریان، امیر - ۷ اسفند ۱۳۸۵ - <http://www.zachman.blogfa.com/post-1.aspx>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770>
- <http://itc.ir/Default.aspx?tabid=448&language=fa-IR>
- <http://entarch.360biz.ir/>



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی